



مفتاح اسرار الحسنة

در اسرار سیر و سلوک

عنایت شده از سالار شهیدان حضرت سید الشهداء علیه السلام

پدید آورنده:

مولی عبد الرحیم بن یونس دماوندی رحمۃ اللہ علیہ
(در گذشته در کربلا، بعد از سال ۱۱۶۱ ق)

تصحیح و تحقیق و تقدیم
علی صدراپی خویی



آیت اشراق

سرشناسنامه: دماوندی، عبدالرحیم بن محمد یونس، قرن ۱۲ ق.
 عنوان و نام پدیدآورنده: مفتاح اسرار الحسینی «در سیر و سلوک و عرفان نظری شیعه امامیه» عبدالرحیم
 دماوندی؛ تحقیق و تصحیح و مقدمه: علی صدراپی خویی
 مشخصات نشر: قم: آیت اشراق، ۱۳۹۸
 مشخصات ظاهری: ۴۸۰ ص
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۰۴-۷۵-۱
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا
 یادداشت: کتابنامه: ص [۴۰۵] - ۴۱۰؛ همچنین به صورت زیرنویس
 یادداشت: نمایه
 موضوع: عرفان - متن قدیمی تا قرن ۱۴
 موضوع: آداب طریقت - متن قدیمی تا قرن ۱۴
 سبب: افزوده: صدراپی خویی، علی، ۱۳۴۲ -، مصحح.
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ م BP ۲۸۴/۲/۵۸
 رده‌بندی دی‌بی: ۲۹۱/۸۳
 شماره کتابشناسی: ۹۸۶۳۵۲۷



انتشارات آیت اشراق

مفتاح اسرار الحسینی

عبدالرحیم دماوندی

■ مؤلف: عبدالرحیم بن محمد یونس دماوندی ■ تصحیح و مقدمه: علی صدراپی خویی

■ ناشر: آیت اشراق ■ تیراژ: ۱۰۰۰ ■ نوبت چاپ: اول - ۹۸ ■ چاپ: گل وردی

■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۰۴-۷۵-۱ ■ لیوگرافی: تیراج

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، پلاک ۸۶

تلفن: ۰۲۵ ۳۷۷۴۴۶۵۰ / نمابر: ۰۲۵ ۳۷۷۴۹۶۲۸

پیام کوتاه: ۰۹۳۷۳۹۷۱۹۵۴

ayat.eshraq@gmail.com

www.ayateeshraq.com

تمامی حقوق آثار انتشارات آیت اشراق برای ناشر محفوظ بوده،
 و کپی از آنها به هر شکلی (دیجیتالی، صوتی، تلخیص و...) ممنوعیت قانونی و شرعی دارد.

فهرست مطالب

۹	درآمد
۱۱	مقدمه تحقیق
۱۳	۱. زندگینامه مؤلف
۲۰	۲. مشاورندی از نگاه دیگران
۲۸	۳. آثار درماندگی
۳۲	۴. اساتید
۳۵	۵. شاگردان
۳۷	۶. مفتاح اسرار الحسینی
۴۴	۷. نسخه‌های مورد استفاده
۵۲	۸. روش تصحیح

متن کتاب

۵۵	مقدمه مؤلف
۶۱	مفتاح اول: در اثبات صانع
۶۲	پیامبر ﷺ فضل است و قرآن رحمت
۶۴	نهایت معرفت عقل
۶۴	فلسفه احکام الهی
۶۴	مقدم بودن راه استدلال بر راه سلوک
۶۵	وجوب تحصیل علم بر سالک
۶۵	ادله اثبات صانع
۷۲	مفتاح دوم: رساله جعل حکیم اردستانی
۷۹	مفتاح سوم: در عینیت وجود واجب است
۸۲	مفتاح چهارم: در بیان توحید واجب الوجود است
۸۲	وجوب وجود عین حقیقت واجب است
۸۷	ایجاد و افنا از لوازم واجب الوجود است
۹۱	مفتاح پنجم: در بیان توحید و وحدت است به طریق عرفا، که خلاصه خلقتند

- ۹۴..... انکار متکلمین بر موهبتی بودن معرفت
- ۹۵..... مفتاح ششم: در بیان فرق میان علم و معرفت و عالم و عارف
- ۹۵..... فرق علم و معرفت
- ۹۷..... معرفت وهبی است و علم کسبی
- ۹۸..... مفتاح هفتم: شرح حدیث حقیقت
- ۱۱۵..... مکاشفه ای از مولف
- ۱۱۵..... ملاک صحت کشف
- ۱۱۷..... مفتاح هشتم: در بیان تنزیه و تقدیس و تشبیه است
- ۱۲۰..... نفی قایلین به اشتراک لفظی در صفات و اسماء
- ۱۲۶..... مفتاح نهم: رد عقیده باطل برخی از مدعیان سلوک
- ۱۲۶..... تفسیر وجود مطلق
- ۱۲۷..... دریافت سرّ توحید
- ۱۳۲..... مفتاح دهم: مرتفع شدن حکم نین و بقاء حکم حجاب
- ۱۳۲..... سالکین سبیل حق
- ۱۳۵..... مفتاح یازدهم: فرق و جمع فصل وصل و حرکت و سکون
- ۱۳۹..... خطبه تطنجیه
- ۱۴۳..... مفتاح دوازدهم: در مراعات مقام
- ۱۴۴..... سند مؤلف به مناجاتی از امیر المؤمنین علیه السلام
- ۱۴۵..... مکاشفه ای از مولف
- ۱۵۰..... مفتاح سیزدهم: عدم ظهور حقیقت اشیاء برای حق تعالی
- ۱۵۱..... دعای سهم اللیل
- ۱۵۲..... مفتاح چهاردهم: در بیان تحقیق رؤیت حق تعالی و انواع تجلیات الهیه
- ۱۶۳..... مکاشفه ای از مولف
- ۱۶۵..... مفتاح پانزدهم: در تحقیق طلب رؤیت موسی علی نبینا و آله و علیهم السلام
- ۱۶۸..... خطبه تطنجیه
- ۱۶۹..... مفتاح شانزدهم: در رؤیت مؤمنان است مر حق را
- ۱۷۵..... مفتاح هفدهم: اتحاد موضوع حکمت و کلام و علم الهی و فرق وحی و الهام
- ۱۸۱..... مفتاح هیجدهم: در بیان متحمل شدن کمال اولیاء اسرار ولایت را
- ۱۸۷..... مکاشفه مؤلف
- ۱۹۱..... مفتاح نوزدهم: در بیان مرشد شناسی

۱۹۵	علامات مرشد
۲۰۳	شهود مولف
۲۰۵	مفتاح بیستم: در تفسیر آیه نور
۲۱۲	عالم ملکوت و عالم ملک
۲۲۳	مفتاح بیست و یکم: فی تحقیق رؤیة النبى و اوصیائه علیه السلام فی المنام
۲۲۸	ملاقات مولف با شیطان
۲۳۴	مفتاح بیست و دوم: در بیان تحقیق عالم مثال و اجساد مثالیه و ردّ قائلین بعدمهما
۲۳۵	تاریخ اخبار حضور معصومین در وقت احتضار مومن
۲۴۷	دعای خضر علیه السلام
۲۵۱	واردات قلبیه مولف
۲۵۳	مفتاح بیست و سوم: در بیان تحقیق رؤیای حضرت فاطمه علیها السلام
۲۵۶	مفتاح بیست و چهارم: در بیان اختلاف مراتب نفوس
۲۶۱	مفتاح بیست و پنجم: در بیان تطابق عوالم وجود
۲۶۲	حدیث عمران صابی
۲۶۳	مفتاح بیست و ششم: در تحقیق صادر اول
۲۶۹	الله امام ائمه اسما است
۲۷۰	از ملهمات مولف
۲۷۲	مفتاح بیست و هفتم: حقیقت انسان کامل
۲۷۹	الهام به مولف
۲۸۲	مفتاح بیست و هشتم: در بیان تحقیق وجود مهدی علیه السلام که الان موجود است یا نه؟
۲۸۵	مهدی علیه السلام در مثنوی معنوی
۲۸۶	مهدی علیه السلام در گلشن راز
۲۸۶	مهدی علیه السلام در کلام عطار
۳۰۱	مکاشفه ای از مولف
۳۰۲	مفتاح بیست و نهم: در تمیز مراتب خواتم الولایة
۳۰۵	خاتم ولایت سه نفرند
۳۰۵	ختم ولایت عیسی علیه السلام با مهدی علیه السلام
۳۰۸	مفتاح سی ام: حالات عرفانی مؤلف و شرح وقعات سیر و سلوکش
۳۱۹	مفتاح سی و یکم: در بیان مجملی از ریاضات ارباب حقایق از عرفاء
۳۱۹	قسم اول ریاضت: اخلاص در عبادت

۳۲۱	قسم دوم ریاضت: عمل به جمیع فرایض و سنن
۳۲۴	قسم سوم ریاضت: تلطیف سر
۳۳۵	مفتاح سی و دوم: در بیان تحقیق عشق و انواع آن و فواید آن
۳۳۵	انواع پنجگانه عشق
۳۴۰	عشق عقیف
۳۴۲	حکایت یوسف و زلیخا
۳۴۷	مفتاح سی و سوم: در بیان محاسبه با نفس
۳۴۹	مفتاح سی و چهارم: در بیان سیر سالک و بیان مقامات و واقعات و مراقبه
۳۴۹	سفرهای چهارگانه سالک (اسفار اربعه)
۳۵۴	کشف مجرد و کشف مخیل
۳۵۷	مفتاح سی و پنجم: در بیان تحقیق کشف و قلب و مجاهده نفس
۳۶۲	عربال تلخیص حضرت پیامبرند
۳۶۳	مفتاح سی و ششم: در بیان آنکه اولیاء به چشم قلب مشاهده انوار می نمایند
۳۶۴	عالم اجسام
۳۶۶	مفتاح سی و هفتم: توبه، ذکر و عبادت مریدان اطوار سبعة قلب
۳۷۱	دعای ختم کتاب
۳۷۲	ترقیمه نسخه‌ها
۳۷۵	تعلیقات
۳۹۳	نمونه تصاویر نسخ خطی (۱۴ تصویر)
۳۹۳	نمایه‌ها
۴۵۹	مآخذ و مصادر
۴۸۰-۴۶۶	فهرست تفصیلی مطالب کتاب

به نام خالق بی همتا

با حمد و ثنای حضرت باری و درود و ثنای خاتم پیامبران حضرت محمد و ائمه طاهرين خصوصاً ختم سلسله امامت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه. اما بعد: در دین اسلام و مکتب تشیع، رسیدن به معنویت و ورود به ملکوت و در نهایت لقای الهی، هدف اصلی و اساسی برای انسانها ترسیم شده است. به همین دلیل خدای تعالی مومنان را بشارت می‌دهد که به آرزوی آنان که ندای الهی است نایل خواهند شد و امیدوار آن باشند:

﴿مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ﴾^۱

«کسی که به دیدار خدا امیدوار است هر آینه اجل خدا خواهد آمد و او به آرزویش خواهد رسید». بر همین اساس هدف اصلی تعالیم حضرت پیامبر ﷺ و اهل بیت طاهرينش، رهایی انسانها از قید عالم مادی و متمتع شدن به لذت‌های معنوی و در نهایت لقای الهی در آخرت بوده است. انسان‌های فرهیخته با دریافت این پیامها، مشتاق راه یابی به عوالم معنی و اطلاع از اسرار و رای عالم طبیعت گردیده و تمام عزم و همت خود را در این راه صرف نمودند. آنها دستورات رهبران دینی و استادان راه طی کرده و راه به جان و دل قبول نموده و به کار بستند و عاقبت همای سعادت نصیب شان گردیده و ندای الهی را با گوش جان شنیدند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا
وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾^۲

«همانا کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند و می‌گویند: هان، بیم مدارید و غمین مباشید، و بشارت باد بر شما بشتی را که به آن وعده یافته بودید».

همچنین خدای تعالی یهودیان را به دلیل آنکه ادعای دوستی خدا نمود ولی آماده لقای الهی و مرگ را ندارند، مورد سرزنش قرار داده و خطاب می‌کند:

﴿قُلْ يَتَّيِّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا
الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^۳

«بگو: ای کسانی که یهودی شده‌اید، اگر پندارید که شما دوستان خدا هستید نه مردم دیگر، پس اگر

۲. سوره فصلت: آیه ۳۰.

۱. سوره عنکبوت: آیه ۵.

۳. سوره الجمعة: ۶.

راست می‌گویید آرزوی مرگ و لقای الهی را بکنید.»

یکی از فرهیختگان عالم معنی، عالم فرزانه، محبّ خاندان اهل بیت (علیهم‌السلام)، عارف دلسوخته، مولی عبد الرحیم دماوندی است. دماوندی برای سیراب نمودن روح تشنه خود - بعد از اتمام تحصیل در اصفهان - رحل اقامت در جوار بارگاه ملکوتی حضرت سید الشهداء (علیه‌السلام) در کربلا افکند و تا آخر عمر، پیمانه معرفت از عنایات بی انتهای آن امام همام سر کشید. او بعد از لبریز شدن پیمانه معرفتش، دست به قلم برد و کتاب (مفتاح اسرار الحسینی) را نگاشت. او در این کتاب بخشی از آنچه را که از عنایات مرشدش امام حسین (ع)، نصیبتش شده بود، به قلم آورد. دماوندی در مقدمه کتابش اظهار می‌کند که بنا دارد در این کتاب حجاب از روی اسرار بگشاید. و باید گفت که، به خوبی از عهده وعده‌اش بر آمده و مطالبی از مکاشفات و الهامات خود بیان نموده و حقایق از سیر و سلوک و دریافت‌های معنوی و عرفانی خود را ذکر کرده، که در کمتر اثری، اینگونه صراحت لهجه و فاش گویی به چشم می‌خورد.

این کتاب - مفتاح اسرار الحسینی - عمده اثر دماوندی و همچنین مفصل‌ترین اثر او هست. به همین دلیل، فیلسوف شرق استاد فقید سید جلال الدین آشتیانی، این اثر را برای نشان دادن نظرات فلسفی عرفانی دماوندی، در جلد سوم کتاب منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، چهل و سه سال قبل از این منتشر نمود. امروزه بیش از چهار دهه از چاپ این اثر سپری گردیده، علاوه بر آن قرار گرفتن این کتاب در ضمن مجموعه چهار جلدی منتخباتی از آثار حکما، دسترسی اغلب محققان را به این اثر با دشواری مواجه ساخته است. مزید بر اینها نسخه‌های خطی جدیدی از این کتاب در مدت چهل سال شناسایی گردیده است. بنا به دلائل یاد شده ناشر کتابهای عرفانی، صدیق گرامی آقای سید محسن سید تاج الدینی - مدیر محترم نشر آیت اشراق - پیشنهاد تصحیح و تحقیق جدید کتاب را دادند تا جامعه علمی از اندیشه‌های ناب دماوندی بهره‌مند گردند.

به دنبال پیشنهاد آن عزیز، تحقیق و تصحیح حاضر، شکل گرفت. اکنون ایزد منان را شکرگزاریم که این اثر، بعد از مقابله و تصحیح با نُه نسخه خطی و مراجعه به مصادر متعدد و افزودن تعلیقات لازم، تقدیم ارباب نظر و اصحاب معرفت می‌گردد. برای آشنایی از احوال و آثار دماوندی، نیز مقدمه مسوطی، در آغاز افزوده شده و در پایان کتاب نمایه‌های متعدد برای بهره‌مندی بهتر از آن فراهم آمده است. بر خود لازم می‌دانم از آقای سید تاج الدینی که پیشنهاد تحقیق و تصحیح کتاب را داده و زحمت نشر کتاب را نیز بعهده گرفتند و سرکار خانم سیده سادات زهرا موسوی که زحمت تایپ کتاب و استخراج بخشی از مصادر را متقبل شدند، کمال تقدیر و تشکر را دارم. امید که نشر این اثر مورد رضای حضرت محبوب قرار گیرد. بتمّه و کر مه و احسانه آنّه علی کلّ شیء قدیر.

علی صدراپی خویی - قم - ۱۹ آبان ۱۳۹۸ ش - ۱۷ ربیع الاول ۱۴۴۱ ق

زندگینامه مؤلف

پدید آورنده این اثر مهم مولی عبد الرحیم دماوندی است. اطلاعات ما از احوال دماوندی اغلب از طریق آثارش به دست آمده، و در کتابهای شرح حال احوال او، گزارش نشده است. مصادری که در آنها از دماوندی یاد شده - به جز یک مصدر که توضیحش خواهد آمد - مستند همه آنها، آثار دماوندی است.

۱-۱. نام و نام پدر

دماوندی در آغاز اغلب آثارش، خود را «عبد الرحیم بن محمد یونس دماوندی»، معرفی نموده است. بنابر این یادداشت نایب الصدر شرای، که در اثرش طرائق الحقایق، نام پدر دماوندی را «یوسف» درج نموده، صحیح نیست.^۱

۱-۲. تاریخ و محل تولد

تاریخ تولد دماوندی معلوم نیست و او در آثارش هیچ اشاره‌ای به تاریخ تولد خود نکرده است. ولی او در همه مواردی که از خود یاد کرده، خود را «دماوندی» معرفی نموده، که نشانگر انتساب وی به شهر دماوند است. روشن نیست که آیا خود «عبد الرحیم» در دماوند متولد شده، یا انتسابش به آن شهر به جهت دودمانش بوده که اصالتاً از «دماوندی» بوده اند. برای اطلاع از جغرافیای تاریخی و طبیعی شهر دماوند، به دانشنامه جهان اسلام، رجوع شود.^۲

۱. طرائق الحقایق، ج ۳، ص ۱۶۳.

۲. دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۸، ص ۹۹-۹۵، مدخل «دماوند»، نوشته علیرضا شاه حسینی.

۳-۱. تاریخ درگذشت

تاریخ ارتحال دماوندی، مانند تاریخ تولد وی، مضبوط نیست ولی بر اساس اینکه دماوندی، کتابش «مفتاح اسرار الحسینی» را در سال ۱۱۶۱ ق به پایان رسانده، تاریخ درگذشت او را بعد از سال ۱۱۶۱ ق، ذکر کرده اند. اخیراً نسخه ای از مفتاح اسرار الحسینی، شناسایی گردیده، که محمد بن نورالدین محمد اصفهانی، آن را در روز جمعه ۱۳ جمادی الثانی ۱۱۶۲ ق، به پایان رسانده و در ترقیمه از دماوندی با دعای (دام ظلّه) یاد می کند، بنا بر این دماوندی تا تاریخ مذکور - یعنی ۱۳ جمادی الثانی ۱۱۶۲ ق - در قید حیات بوده است.

۴-۱. رشد و بالندگی

درباره تحصیلات علمی و رشد و بالندگی دماوندی، اطلاعاتی اندکی در دست است. آثار دماوندی مشحون از تحقیقات فلسفی و عرفانی است. او در آثارش در موارد متعدد از ملا محمد صادق اردستانی (م ۱۱۳۲ ق)، حکیم معروف اواخر عهد صفوی به عنوان استاد خودش یاد کرده است. بنا بر این دماوندی حکمت و عرفان را در اصفهان - قبل از محاصره آن شهر توسط افغانه - فرا گرفته است. او در این شهر علاوه بر اردستانی از محضر ملا خلیل قائنی اصفهانی و حکیم میرزا حسن لاهیجی (م ۱۱۲۱ ق)، استفاده نموده و بعد از سقوط اصفهان در سال ۱۱۳۵ ق، این شهر را ترک و ساکن کربلا گردیده است. او تا آخر عمرش ساکن کربلا بوده و در همان شهر دارفانی را وداع گفته است. سید عبد الله جزایری که دماوندی را در کربلا ملاقات نموده و با وی گفتگوی علمی داشته، درباره دماوندی می گوید که: «وکان امام الجماعة فی المسجد» امام جماعت مسجد بود. ولی نام مسجد را ذکر نکرده است. به احتمال زیاد عبارت صحیح «وکان امام الجماعة فی المشهد» است که در نسخه چاپی به «المسجد» تصحیف شده و منظور آن بوده که وی امام جماعت مشهد حسینی یعنی بارگاه ملکوتی حضرت سید الشهداء (ع) بوده است.

دماوندی در کربلا جلسه درس داشته و از جمله شاگردان او شهید نصر الله مدرس حسینی (شهادت حدود ۱۱۶۸ ق) می باشد که در دیوانش عبدالرحیم دماوندی را، به عنوان استادی که از محضرش کسب علم نموده، ستوده است.^۱

۱. طبقات اعلام الشیعة، الکواکب المنتشرة فی القرن الثانی بعد العشرة، ص ۴۲۷.

۵-۱. گرایش عرفانی دماوندی

در باره گرایش عرفانی دماوندی و وابستگی او به سلسله های عرفانی، نظر واحدی وجود ندارد. نایب الصدر شیرازی، دماوندی را از «اکابر مشایخ سلسله نور بخشیه»، معرفی نموده، ولی سند متقنی برای گفته خود، ذکر نکرده است.^۱ استاد سید جلال الدین آشتیانی نیز در مقدمه مفتاح اسرار الحسینی در باره گرایش عرفانی دماوندی می نویسد:

عبد الرحیم بن یونس دماوندی رازی، یکی از تلامیذ حوزه درس مولانا محمد صادق اردستانی است، که ظاهراً به مسلک تصوف گروید و از مشایخ ذهبیه عصر خود بوده است.

استاد آشتیانی هر دینی برای انتساب دماوندی به ذهبیه ذکر نکرده اند.

عبد الرزاق محدث اصفهانی (م ۱۳۸۲ق) در یادداشتی در آغاز نسخه ای از مفتاح اسرار،^۲ دماوندی را از مشایخ سلسله نوربخشیه معرفی نموده است. به نظر می رسد که این اظهار نظر را وی از کتاب طرائق الحقایق اخذ نموده است.

دماوندی در مفتاح اسرار، از استادش، اردستانی یاد نموده، ولی عنوان نکرده که چه علمی را نزد او تحصیل کرده ولی به احتمال زیاد اردستانی استاد فلسفه و مرشد عرفانیش بوده است. دماوندی در همین اثر مکرراً از حضرت سید الشهداء (علیه السلام) با عبارت «مرشدم» یاد کرده و شاید این به دلیل آن بوده که او نمی خواسته خود را وابسته به سلسله های عرفانی معرفی کند و از آن اجتناب داشته است. و به نظر می رسد، اختلاف اساسی بین گفته صاحب طرائق و نظر استاد آشتیانی، به همین دلیل است که اساساً دماوندی وابسته به هیچ سلسله عرفانی نموده است. زیرا نوربخشیه سلسله ای جداگانه از ذهبیه است و شیخ سلسله نوربخشیه نمی تواند از مشایخ ذهبیه باشد.

۶-۱. مکاشفات دماوندی

آنچه توجه خوانندگان را به آثار دماوندی خصوصاً «مفتاح اسرار الحسینی» جلب نموده،

۱. طرائق الحقایق: ج ۳، ص ۱۶۳.

۲. نسخه «ن»، که بعد از این معرفی خواهد شد.

تهور او در هتک پرده استار اسرار عرفانی بوده است. او در کتاب حاضر به صراحت اعلام می کند که مرشدش - حضرت سید الشهداء علیه السلام عنایات ویژه ای به او داشته و در خواب و بیداری، درهای اسراری را برایش گشوده است. او هیچ ابایی از به قلم آوردن این اسرار ندارد و در موارد متعدد، با تمام جزئیات آنها را بیان کرده است. برای آشنایی با روحیه عرفانی دماوندی، برخی از یافته های عرفانی او، ذکر می گردد:

۱-۶-۱. نوشیدن شراب محبت از دست صاحب الزمان عج

دماوندی در این مورد می نویسد:

فقر بعد از آنی که از دست مبارک خلیفه الرحمن صاحب الزمان - صلوات الله علیه - شراب محبت نوشیدم و شبی برای نماز از خواب بیدار شدم و در خواب در اثنای بیدار شدن، فقره دعایی می خواندم که در لیالی ماه رمضان آن دعا را می خواندم و بس. و این دعا از جمله دعاهایی نبود که ورد کرده باشم، و عجیب تر آن که قریب به هفت ماه از ماه رمضان گذشته بود و به هیچ وجه آن دعا به خاطر من مانده بود و به خاطرم آوردم که آن دعا را و در نماز روزی یک مرتبه آن دعا را پیش مرشدم و مرشد الکونین ابی عبدالله الحسین - علیه الصلاة والسلام - بخوانم و از توجه آن جناب توفیق یافتم. تا روزی با خشوع و حضور قلب برابر آن مرشد الصدیقین ایستاده ام و همان دعا را می خوانم و چون به این فقره رسیدم که:

«و من کل سوء یا اله الا انت فنجنا»، ناگاه جناب حق جل و علا - تجلی نمود در قلب این فقیر و مائی من را از من گرفت، محو و بیخود شدم. (شعر)

خود از درون و برون جلوه کرد و من ز میان

چو سایه محو شدم کز دوشو چراغ بر آمد

و حق را در قلب خود می بینم و ملاحظه می نمایم خود را که من نیستم؛ و جناب حق به قوتی تجلی نموده که امکان رفع ندارد، الحمد لله کما هو اهل و مستحق.

۲-۶-۱. تاثیر نحوه نشستن در مکاشفه

دماوندی در مفتاح چهاردهم، درباره مکاشفه ای که در باره نحوه نشستن خود در حال ذکر، برایش رخ داده، چنین می نویسد:

و واقعه ای که به این فقیر روی نموده و مناسب مقام بود، نقل می شود. چون در حال ذکر نحوی از جلوس را اختیار نموده و راحت و محظوظ بودم و آن به این نحو بود که پای راست را بر روی ران چپ می گذاشتم و مشغول مطالعه و ذکر بودم. روزی عذابت ازلی شامل حال شده به همان هیئت که رو به قبله مشغول ذکر بودم، تجلی حق تعالی روی نمود - که از بیان آن عاجزم - در آن حال دو زانو به ادب نشستم و محو بودم و از فصل حق - سبحانه و تعالی - این حال استمراری به هم رسانید ... و از آن وقت ترک نمودم آن طور جلسه را. و گاهی بر سیبل سهو تا اراده می نمایم که به آن هیئت بشینم دفعه آن حال عود می کند. الحمدلله کثیراً گما هو اهل و مستحقه.

۳-۶-۱. مکاشفه ای برای صحت سنا دعا

مؤلف در مفتاح دوازدهم می گوید که در اوایل سلوکش به مناجاتی مشغول بوده و بعداً در واقعه ای، صحت آن مناجات و فوایدش بر وی کشف شده است. او می نویسد:

و در اوایل عمل به آن مناجات واقعه ای دیدم که در آن واقعه کشف شد بر این فقیر صحت آن مناجات و فوایدش و آن این است:

ذا، اول العدد و صاحب الأبد، و نورک الذی قهرت به غواسق العدم و بواسق الظلم، و جعلته منك و بک و الیک دالاً دليلاً، روحه نسخة الأحدث في الماهوت، و جسده صورة معانی الملك و الملکوت، و قلبه خزانة الحي الذي لا يموت، طووس الکبرياء و حمام الجبروت»^۱.

۴-۶-۱. مشاهدۀ تاثیر لقمۀ شبهه ناک

در مفتاح هیجدهم، دماوندی مکاشفه ای را در باره لقمۀ مشکوکی که خورده و اثر آن را در

۱. متن همین کتاب، ص ۱۴۵.

واقعۀ، دیدۀ، قلم فرسایی نموده، بیان وی چنین است:

مرد با غیرتی بود، و از هر کسی سؤال نمی کرد؛ مرا به خاطر رسیدۀ که به او التماس کنم و به خَبّاز حواله ای نمایم که هر قدر نان می خواهد، از خَبّاز بگیرد؛ بعد از التماس قبول نمود؛ ما به خَبّاز حواله نمودیم و بعد از چند یوم از خَبّاز پرسیدم که طلب شما چه قدر شد؟ گفت: فلان قدر؛ ما رفتیم و از شخصی همان قدر قرض کردیم و به خَبّاز دادیم. و بعد از دو ماه شخصی مبلغی خمس و مبلغی زکات به ما داد که به مصارف رسانیم. خمس را به اهل خمس، و زکات را به اهل زکات رسانیدیم و به خاطر رسید که مرا چیزی نیست، به قدر آن مبلغی که قرض کردم و به خَبّاز دادم؛ از آن زکات به آن قرض دادم و در آخر شب در واقعۀ می بینم که فضلۀ انسان می خورم و بعد از واقعۀ در تعجب ماندم و فکر می بجایی نرسید؛ آمدم به زیارت مرشدم حسین بن علی - صلوات الله علیهما - و بعد از زیارت به عقب قبر مبارک ایستادم و می خواهم که نماز بکنم.

جناب احدیت به برکت آن سرور به قلم انداخت سبب آن واقعۀ را و سببش آن بود که جمعی میهمان ما بودند، یک روز اتفاق افتاد که در خانۀ ما نان پخته نشد؛ رفتیم پیش خَبّاز و از او نان گرفتیم و گفتم که قیمت این نان را با قیمت آن نان که به آن مرد می دهی، حساب مکن ... و خَبّاز قیمت نانی که گرفتم با آن نانی که به آن مرد فقیر می داد، یک جا حساب کرد و گفت: فلان قدر است و ما آن قدر از جایی قرض کردیم و به خَبّاز دادیم، و از زکات به آن قرض دادیم و از آن نان ما چاشت کردیم؛ تا این به قلم افتاد، همان ساعت از مال خود مبلغی به مؤمنی دادم. و در شب دیگر در واقعۀ می بینم که در مسجدی به کنار آب صافی روانی نشسته ام، و آن فضلۀ که خورده بودم قی می کنم و از دهن و دماغ من آن نجاست می آید؛ بیدار شدم و حمد الهی نمودم آنچه به این فقیر وارد می شود، محض عنایت مرشدم حضرت سید الشهداء علیه السلام است.^۱

۵-۶-۱. شهود مرشد کامل

در مفتاح نوزدهم در باره مشخصات مرشد، به شهود خود استناد می‌کند وی می‌نویسد:
و شهود این فقیر شده است که هر قدر مرشد کامل تر است، خلاص از تفرقه بیشتر
است تا به مرشد کل حضرت مولی الموالی مولانا علی بن ابی طالب علیه السلام برسد.

۶-۶-۱. ملاقات با شیطان

در مفتاح بیست و دوم، درباره دیداری که با شیطان داشته، چنین نوشته است:
مرا در واقعه اتفاق افتاد ملاقات با شیطان شده است؛ مرد پیر با وقار دیدم و
اعوجاجی در پهلوی راست او بود، هر چند نورانی نمود خود را، اما نورش مخلوط به
کدورت و ظلمت بود.
از او سوال کردم ابتداء خلقتش را و جواب گفت و این جا جای آن جواب نیست.
و این علامات که ذکر کردیم ارباب شهود نقل نموده اند تا سالک او را بشناسد.^۱

۷-۶-۱. واردات قلبیه مؤلف

در انتهای مفتاح بیست و دوم، درباره نقش تربیتی انبیا و اولیا، چنین می‌نویسد:
و آنچه از واردات قلبیه این حقیر است که از حق تعالی وارد شده است بر قلبم نه از
افکار دماغیه، و آن وارد این است که:
انبیاء و اوصیاء علیهم السلام مربّی اهل ارض اند باذن تعالی و بعضی نفوس نزدیک شده اند
که به مقام خود برسند و موتِ مربّی وقت در رسد و آن مربّی بعد از فوت متوجّه آن
نفوس است در این مدت، و منتهی مدت چهل روز است و مربّی زنده را به آن نفوس
رجوعی نیست و هر چند آن نفوس در امور و احکام ظاهر رجوع به مربّی زنده دارند؛
اما در تکمیل باطن، آن مربّی که به حسب ظاهر از این عالم رحلت نموده اند، متوجه
تربیت است، به اعتبار آن که این تتمه کار خود ایشان است.^۲

۱. متن همین کتاب، ص ۲۲۸.

۲. متن همین کتاب، ص ۲۵۳.

۸-۶-۱. ولایت قبله عارفان است

در مفتاح بیست و نهم، در باره شهودی که برایش درباره مقام ولایت و ولی مومنان رخ داده، چنین می نویسد:

ای عزیز: و آنچه بر این فقیر کشف شده، بیان می نمایم:
روزی به حضور قلب، قرآن تلاوت می کردم، خدای تعالی الهام نمود به قلبم معنی آیه ای که بیان نمی توانم نمود و بعد از آن در واقعه دیدم که داخل مسجد کوفه شدم از راه باب الفیل و در محراب مبارک ولی کل علیه السلام در برابر من پیدا شده است و جبرئیل علیه السلام از طرف مشرق به مغرب می رود، و در ما بین سماء و ارض و محاذی سمت الرأس من رسید، روی به من کرد و قال:
قبلتک هذا، یعنی امیر المؤمنین و قبله موسی و عیسی و یونس و یوسف و ایوب و... و اسامی انبیاء علیهم السلام می شمردند تا به آخر و از طرف مغرب غروب فرمودند.
و مراد از قبله در این مقام، قبله قلوب است.^۱

(۲)

دماوندی از نگاه دیگران

با توجه به اهمیت اندیشه و شخصیت عبد الرحیم دماوندی، در چند مصدر از وی یاد شده، بدین عبارتها:

۱-۲. سید عبد الله جزایری

سید عبد الله جزایری، تنها مولفی است که دماوندی را ملاقات نموده و در کتابش از وی یاد کرده است. جزائری، فصل چهاردهم از کتابش «الاجازة الکبيرة» را به عالمانی اختصاص داده که آنها را ملاقات نموده است. او در این فصل ترجمه مختصر شصت و شش شخصیت را - که ملاقات

۱. متن همین کتاب، ص ۳۰۴.

نموده - درج نموده است. از جمله دانشمندانی که وی در کربلا، ملاقات نموده، مولی عبدالرحیم دماوندی است که را به عنوان شخصیت بیست و هفتم، ذکر کرده و در باره او چنین نوشته است:

المولی عبد الرحیم الاصبهانی المجاور بمشهد ابی عبد الله الحسین علیه السلام: کان عالماً، ذکياً، مقبولاً، رایته بالمشهد و تقاضنا فی بعض المسائل. له رساله فی شرح حدیث الحقیقه و کان امام الجماعة فی المسجد. توفي عشر السنین رحمة الله علیه.^۱

۲-۲. از دیدگاه کبودر آهنگی

محمدجعفر کبودر آهنگی (۱۲۳۸-۱۱۷۵ق) در رساله «اعتقادات» خود در دو جا مطالبی را از دماوندی نقل نموده است. در مورد اول گوید:

وفاضل معتق مولانا عبد الرحیم دماوندی در بعضی از رسایل خود آورده است: و به این فقیر سند آن مناجات به چند واسطه از عارف محقق میرزا حسن قمی رسیده، که میرزا به ترتیبی که مذکور می شود، مسند ساخته است آن را به جناب امیر المؤمنین علیه السلام که در نزد قبر خاتم النبیین صلی الله علیه و آله خواندند. و در اوایل عمل به آن مناجات واقعه ای دیدم که در آن واقعه کشف شد بر این فقیر صحت آن مناجات با فوایدش و آن مناجات این است:

ذا، اول العدد - و بعضی از نسخ بدل «ذا» «هذا» است؛ و بعضی از نسخ «هو» - و صاحب الأبد، و نورک الذی قهرت به غواسق العدم و بدلت الظلم، و جعلته منك و بك و الیک و علیک دالاً دلیلاً، روحه نسخه الأحدیة فی اللاهوت و جملة صورة معانی الملك و الملكوت، و قلبه خزانة الحیّ الذی لا یموت، طائوس الکبریاء و حمام الحیروت.^۲

منظور کبودر آهنگی از «بعضی رسایل دماوندی» کتاب «مفتاح اسرار الحسینی» است. و مطلبی را که نقل نمود در مفتاح دوازدهم، مفتاح اسرار الحسینی، بعینه موجود است. در مورد دوم، کبودر آهنگی باز در رساله اعتقاداتش، چنین می نویسد:

۱. الاجازة الكبيرة، سید عبد الله جزایری، ص ۱۴۴.

۲. رسائل مجذوبیه، ص ۱۴۵.

و رساله مولانا عبد الرحیم دماوندی که مسمی است به تحفة الحسینیة و در این کتاب که نوشته بود که: مبتدی سزاوار است که صورت صاحب اجازه (مرشد) را در نظر داشته باشد تا از تفرقه و وسواس شیطان خلاص بشود و آن اشاره این است: کما قال الصادق علیه السلام: من لم یکن له قرین مرشد استمکن عدوه من عنقه. و شهود این حقیر شده است که هر قدر مرشد کامل تر است، خلاص از تفرقه بیشتر است تا به مرشد کل حضرت مولانا علی علیه السلام برسد. و ممکن است که بعضی از بی بصیرتان بگویند وقتی که مرشد کل باشد، به احتیاج است صورت مرشد را در نظر گرفتن؟

جواب این است که این مرشد ظاهر عکس مرشد کل است و مبتدی را کجا طاقت و ظرفیت که از آن نور در کمال قوت فیض باطنی بگیرد.

به تدریج به واسطه مرشد ظاهر روح سالک قوی می شود، آن وقت می تواند که از مرشد کامل کل به قدر استعدادش فیض برد و اخباری که در فصل تعریف عرفا مذکور شد، معلوم می شود که مرشد ظاهر عکس مرشد کل بوده است. لا تغفل. انتهی ما اردناه نقله من کلماته.

ضعیف معروض می دارد که صاحب این رساله در این رساله از وقایع و مکاشفات خاصه خود را در اوقاتی که مجاور در ارض مقدسه سید الشهداء - علیه التحیه و الثناء - بوده بسیار نوشته.^۱

مطلبی که کبودر آهنگی از «تحفة الحسینیة» نقل نموده، در مفتاح نوزدهم، کتاب «مفتاح اسرار الحسینی» است بعینه موجود است. و پس از این خواهیم گفت که این کتاب، نام دیگری از «مفتاح اسرار الحسینی» است.

کبودر آهنگی در رساله مرآت الحق خود نیز در سه جا از مفتاح اسرار، مطلبی به تفصیل نقل نموده است. بار اول در فصل دوم، که فقط از دماوندی و رساله «مفتاح اسرار الحسینی» وی یاد کرده^۲ و بار دوم در فصل هفتم، ضمن نقل کامل مقدمه کتاب مفتاح، چنین می نویسد: «و مولانا

۲. مرآت الحق، ص ۵۲.

۱. همان، ص ۱۵۴.

المحقق الکاشف عبد الرحیم دماوندی که در اواخر ایام نادرشاه در عتبات عالیات حیات داشته و مجاور بوده» و در انتهای نقل خود در باره دماوندی چنین می نویسد:

ضعیف مسکین عرض می نماید که: از این رساله و بعضی رسائل دیگر او را، که عارف خبیری ملاحظه تعریف نماید، علم قطعی به جلالت قدر مصنف و کامل بودن او در مراتب سیر و سلوک و جمیع علوم نظریه می نماید و تتبع کامل داشتن او از احادیث ائمه اطهار صلوات الله علیهم.^۱

و بار سوم در فصل چهاردهم، مطالب مفصلی را از «مفتاح اسرار»، نقل نموده است.^۲ از این نقل ها معلوم می شود که کبودر آهنگی، به تحقیقات دماوندی اعتقاد کامل داشته و نظرات وی را به عنوان شاهد بر مطالب و عقاید خود، مورد استفاده و نقل قرار می داده است.

۲-۳. از دیدگاه نایب الصدر شیرازی

نایب الصدر محمد معصوم شیرازی (م ۱۳۴۴ق) در طرائق الحقایق - که آن را در سال ۱۳۱۳ق، به چاپ رسانده - در باره دماوندی چنین می نویسد:

عبد الرحیم دماوندی: و دیگر مولانا عبد الرحیم بن یوسف الدماوندی است. از اکابر مشایخ سلسله نور بخشیه و مولف کتاب مفتاح اسرار الحسینی و عدد این حروف تاریخ اتمام کتاب گردیده هزار و یک صد و شصت و این کتاب مشتمل بر سی و هفت مفتاح است.^۳

در این ترجمه چند نکته قابل توجه است:

اول آنکه: نام پدر دماوندی را «یوسف» ذکر نموده، در حالی که خود دماوندی در مقدمه مفتاح اسرار و دیگر آثارش، نام پدرش را «محمد یونس» ذکر کرده است.

دوم اینکه دماوندی را «از اکابر مشایخ سلسله نور بخشیه» ذکر نموده، ولی سند بر گفته اش ارائه نداده است. زیرا بین وی و دماوندی، حدود دویست سال فاصله هست و این عبارت

۱. مرآت الحق، ص ۱۹۳-۱۸۲.

۲. همان، ص ۳۷۷-۳۷۲.

۳. طرائق الحقایق: ج ۳، ص ۱۶۳.

نمی‌تواند حاصل تحقیقات میدانی او باشد، لابد از مآخذی نقل نموده ولی نامش را ذکر نکرده است.

۴-۲. دماوندی از دیدگاه استاد آشتیانی

استاد عظیم الشان فیلسوف گرانقدر سید جلال الدین آشتیانی - قدس سره - در اثر سترگ خود، «منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران از عصر میر داماد و میر فندرسکی تا زمان حاضر»، دماوندی را به عنوان نوزدهمین صاحب نظر فلسفی، عنوان نموده است. استاد آشتیانی برای معرفی اندیشه‌های دماوندی، کتاب «مفتاح اسرار حسینی» را در سال ۱۳۹۶ ش منتشر نموده و مقدمه کوتاهی بر آن نوشته است. به دلیل اهمیت این مقدمه نصّ مقدمه ایشان درج می‌شود. استاد آشتیانی می‌نویسد:

ملا عبد الرحیم دماوندی رازی: بسمله. عبد الرحیم بن یونس دماوندی رازی، یکی از تلامیذ حوزه درس مولانا محمد صادق اردستانی است، که ظاهراً به مسلک تصوف گروید و از مشایخ ذمّیه عصر خود بوده است. حقیر اگر چه با صاحبان سلاسل در تصوف - به خصوص متأخران از صوفیه و به اصطلاح دراویش - چندان میانه خوب ندارد، چون اقطاب این سلاسل اغلب صاحبان دگر و کم سواد، منغم در دنیا و متعلقات آن می‌باشند؛ ولی ملا عبد الرحیم شخص استاد دیده و زحمت کشیده است، لذا به چاپ این اثر جزء منتخبات فلسفی اقدام نمودم. از مؤلف شرح حال مفصل در دست نیست؛ برخی از تذکره نویسان از او به اجمال یاد نموده اند و او را از تلامیذ اردستانی دانسته اند و خود او نیز در این اثر بارها از استاد خود یاد نموده است. نام این رساله «مفتاح اسرار حسینی در شرح اسماء الهیه» است؛ یکی از شاگردان دانشکده الهیات مشهد، فارغ التحصیل فوق لیسانس در فلسفه، این اثر نفیس را جداگانه با شرح حال مفصل از ملا عبد الرحیم چاپ خواهد نمود. مؤلف گویا تا سال یک هزار و صد و پنجاه، بلکه شاید تا سال های بعد از یک هزار و صد و هفتاد در قید حیات بوده است و مدتها در کربلای معلی و نجف اشرف و بغداد سکونت داشته است و به هند و شام نیز سفر نموده است.

این رساله مشتمل است بر مباحث عالیه از تصوّف، با قلمی روان که حکایت از خبرگی مؤلف در مباحث الهی می‌نماید. مشهد مقدس رضوی، ۲۶ ذی حجة الحرام، سنه ۱۳۹۶ من الهجرة النبویه، سید جلال الدین آشتیانی.^۱

بعد صفحه عنوان کتاب را چنین نوشته‌اند:

«شرح اسرار اسماء حسنی یا اسرار حسینی تالیف عبد الرحیم دماوندی رازی».

توضیحاتی پیرامون مقدمه استاد آشتیانی:

۱. استاد آشتیانی، در این مقدمه دماوندی را «از مشایخ ذهبیه عصر خود»، دانسته، ولی سندی بر آن ذکر نکرده و در هیچ ماخذی، شاهی برای مدعا وجود ندارد.

۲. اینکه نوشته‌اند: «مؤلف گویا تا سال یک هزار و صد و پنجاه، بلکه شاید تا سال های بعد از یک هزار و صد و هفتاد در قید حیات بوده است»، باز سندی بر آن نداده‌اند - و چنانکه قبل از این ذکر شد - آخرین خبری که از حیات دماوندی در دست است جمادی الثانی سال ۱۱۶۲ ق است و در هیچ ماخذی ذکر نشده، که وی تا بعد از ۱۱۷۰ ق در قید حیات بوده است.

۳. اینکه نوشته‌اند: «نام این رساله مفتاح اسرار حسینی در شرح اسماء الهیه، است.» معلوم نیست استاد آشتیانی عبارت «در شرح اسماء الهیه» را بر چه اساسی در ادامه نام کتاب، اضافه نموده‌اند. زیرا - چنانچه بعد از این در ذیل نام کتاب توضیح داده خواهد شد - موضوع این کتاب عرفان نظری و عملی و بیان مکاشفات است و بحثی در باره اسماء الهی در آن به چشم نمی‌خورد و در هیچ یک از نسخه های این کتاب، این قید توضیحی، دیده نمی‌شود.

۵-۲. شیخ آقا بزرگ تهرانی

کتاب پژوهش سترگ شیخ آقا بزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشیعه، تحقیق در خوارستایش

۱. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۳، چاپ اول ص ۵۷۹-۵۷۸؛ چاپ دوم، ص ۷۰۱-۷۰۲.

شایان ذکر است که در چاپ اول، استاد آشتیانی تاریخ تمام مقدمه را، در آخر مقدمه «مشهد مقدس رضوی، ۲۶ ذی حجة الحرام، سنه ۱۳۹۶ من الهجرة النبویه، سید جلال الدین آشتیانی» ذکر نموده، ولی در چاپ دوم، ناشر این تاریخ را از آخر مقدمه حذف و در آخر رساله، آورده است.

از احوال دماوندی ارائه نموده، چنین مرقوم قلم کلک نگار کرده اند:

عبد الرحیم الدماوندی: (م نیف و ۱۱۵۰) هو ابن محمد یونس الاصفهانی الحکیم العارف الصوفی من تلامیذ الملا صادق الاردستانی (م ۱۱۳۴ق) الذی طرد من اصفهان لتطرفه فی الفلسفة، فهاجر التلمیذ الی کربلا و جاور الحائر.

قال عبدالله الجزائری فی الاجازة الکبیرة:

«کان عالماً ذکياً مقبولاً، رایته بالمشهد و تفاوضنا فی بعض المسائل، له رساله فی شرح حدیث الحقیقه و کان امام الجماعه فی المسجد و توفي عشر السنین (ای الستینات)». اقول: هو مؤلف «شرح کلام الامیر علی علیه السلام فی العالم العلوی» و «الفیوضات الحسینیة» المدرجة جمیعہ فی الحنہ الاولی من «الجنتان المدهامتان» المطبوع نقلاً عن نسخة کتابتها سنة ۱۱۷۱ق و احوال فیه الی شرحه لکلام الامیر علی علیه السلام یعنی حدیث الحقیقه و حاشیته علی تفسیر الصافی. وصفه بعض تلامیذه بقوله: «الحبر الملی المبرز للحقایق، استادی و علیه استنادی». و قال انه علم الاخ الرشید آقا محمد حسین کیفیة صلاه اللیل علی النحو الماثور». وله «مفتاح اسرار حسنی» و رایث فی سفری بطهران سنة ۱۳۸۰ق رسالته فی حدوث العالم ذاتاً و قدمه و ماناً و معه رسالته فی «القضاء و القدر» ذکر فی او اخرها ان لرشید الدین بن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) شرح للخطبه المعروفه بخطبه البیان و كذلك لابی الفتح محمد بن عبد الکرم الشهرستانی (۵۴۸-۴۷۹ق) شرح للخطبه. و یظهر من نقله وجودهما عنده. رایتهما فی طهران سنة ۱۳۸۰ق و تاریخ کتابتهما ۱۲۶۹^۱.

۶-۲. علیرضا ذکاوتی قراگزلو

آقای ذکاوتی در مدخل کوتاهی در دایرة المعارف تشیع (جلد هفتم، تاریخ انتشار ۱۳۷۸ش، ص ۵۷۹) دماوندی را چنین معرفی نموده اند:

دماوندی. عبد الرحیم بن محمد یونس، از علما و عرفای شیعه در قرن دوازدهم هجری. وی شاگرد محمد صادق اردکانی و صاحب کتابی در عرفان شیعی به نام مفتاح اسرار حسینی

است که در کربلا نوشته است. کبوتر آهنگی در مرآت الحق و العقاید المجذوبیه (اعتقادات) از آن نقل می کند، تاریخ تالیف کتاب ۱۱۴۹ق و درگذشت مولف بعد از ۱۱۵۰ق است. از کلمات اوست که سالک باید در بدو حال برای جمع شدن خاطر باید صورت شیخ را در نظر بگیرد و مشغول سلوک گردد. منابع: بستان السیاحه، ص ۳۱۳ و ۴۱۳؛ الذریعه ج ۲۱، ص ۳۱۶.

در این نوشته کوتاه، دو سهو صورت گرفته:

نخست آنکه نام «محمد صادق اردستانی» اشتهاً «محمد صادق اردکانی» ذکر شده، دوم آنکه تاریخ تالیف کتاب «مفتاح اسرار حسینی» سال ۱۱۴۹ق ذکر شده، در حالی که سال ۱۱۶۰ق صحیح است.

۲-۷. عبد الله صلواتی

آقای عبد الله صلواتی در دانشنامه جهان اسلام در مدخل «دماوندی. عبد الرحیم بن محمد یونس»، گزارشی از احوال و آثار دماوندی را در یک ستمون دانشنامه نگاشته اند. این گزارش اغلب برگرفته از آثار دماوندی است.^۱

۲-۸. در تراجم الرجال

استاد معظم آقا سید احمد اشکوری مدّ ظله العالی، در اثر ارزشمند خود - تراجم الرجال - در دو جا از دماوندی یاد کرده، بار اول در ضمن احوال سید حسن بن محمد امین موسوی حایری، که دماوندی رساله شرح حدیث «صورت عاریة عن المواد»، را به نام او نگاشته است.^۲ بار دوم در ذیل احوال استادش محمد صادق اردستانی،^۳ ولی برای خود عبد الرحیم دماوندی، عنوانی منعقد نکرده است.

۲. تراجم الرجال، ج ۱، ص ۲۵۱.

۱. دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۸، ص ۱۰۳.

۳. همان، ج ۳، ص ۳۷۶.